



تحلیل ساختاری مزیت نسبی بخش معدن استان سمنان از نظر اشتغال (رهیافت اقتصاد پایه و تغییر مکان - سهم)

رضا زیاری^۱ - مریم خوشنویس^۲

تاریخ دریافت: ۹۵/۱۲/۱۱ تاریخ پذیرش: ۹۶/۳/۴

چکیده

تحقیق حاضر با روش توصیفی - تحلیلی در پی آن است که با بکارگیری مدل تغییر مکان - سهم به تحلیل وضعیت بخشهای عمده فعالیت‌های اقتصادی در استان سمنان از نظر اشتغال در طی سالهای ۷۴ لغایت ۹۴ بپردازد. نتایج حاصل از بکارگیری مدل اقتصاد پایه برآن دلالت دارد که بخش معدن در هر سه دوره با داشتن ضریب مکانی (LQ)^۱ بیشتر از یک، جزء بخش پایه استان از نظر اشتغال بوده است. طبق مدل تغییر مکان - سهم تغییرات بخش معدن از نظر اشتغال در کشور طی دوره ۱۳۷۴ تا ۱۳۹۴ صعودی بوده است، در حالیکه عملکرد این بخش در استان سمنان نزولی بوده است، نتایج این مدل حاکی از آن است که، بخش صنعت، کشاورزی و زیر بخش برق، گاز و آب در استان سمنان نسبت به کشور دارای مزیت رقابتی می‌باشند.

طبقه بندی JEL: C53.P40.N10.J21

واژه‌های کلیدی: مدل اقتصاد پایه، ضریب مکانی، بخشهای پایه و غیر پایه - مدل تغییر مکان - سهم - مزیت رقابتی

^۱ استادیار و عضو هیئت علمی گروه علوم اقتصادی، واحد سمنان، دانشگاه آزاد اسلامی، سمنان، ایران. (نویسنده مسئول)

reziyari@gmail.com

^۲ استادیار و عضو هیئت علمی گروه علوم اقتصادی، واحد سمنان، دانشگاه آزاد اسلامی، سمنان، ایران.

khoshnevis57@yahoo.com

۱- مقدمه

نرخ بیکاری یکی از شاخص‌های کلان اقتصادی است که برای ارزیابی شرایط اقتصادی هر جامعه مورد استفاده قرار می‌گیرد. نظریه‌های کینز از اواسط دهه ۱۹۲۰ در انگلستان و سپس در کشورهای دیگر رواج یافت و در سال ۱۹۳۶ با انتشار کتاب نظریه عمومی اشتغال، بهره و پول شهرت جهانی کسب نمود. کینز معتقد بود که دولت می‌بایست برای رسیدن به اشتغال کامل در اقتصاد دخالت نماید. کینز برخلاف نظریات اقتصاد کلاسیک، منتقد رویکرد به اقتصاد آزاد بود. وی این نظریه را که جامعه در حالت تعادل به اشتغال کامل می‌رسد، رد کرد و اعتقاد داشت که سطح اشتغال با میزان تولید و میزان تولید با میزان تقاضای موثر (یعنی میزان خرید کالاها و خدمات) ارتباط مستقیم دارد. بنابراین به نظر وی تأمین اشتغال کامل و کار برای همه به مراتب مهمتر از تعادل در درآمدها و هزینه‌های دولت است (خداپرست‌مشهدی و همکاران، ۱۳۹۱).

نیروی کار از جمله عوامل مهم شکل‌گیری و شکوفایی توسعه اقتصادی جوامع انسانی است. امروزه صرفاً در شرایطی می‌توان به حصول حیات موفق اقتصادی و تداوم آن امید داشت که نیروی کار در خدمت اهداف توسعه جامعه قرار گیرد. بسیاری از نظریه پردازان بر این باورند که منابع انسانی (سرمایه انسانی) پایه اصلی ثروت کشورها را تشکیل میدهد و آنچه مزیت‌های نسبی یک کشور را در صحنه مبادلات جهانی مشخص می‌کند، نه منابع طبیعی و فیزیکی، بلکه منابع و سرمایه انسانی کشورها می‌باشد.

مساله اشتغال و به طور کلی نیروی انسانی در مسائل اقتصادی جایگاه ویژه ای دارد. در اقتصاد ایران، اشتغال از دغدغه‌های اصلی سیاست‌گذاران اقتصادی است. تجزیه و تحلیل روند اشتغال و ساختار آن در سطح کشور و مناطق مختلف آن مستلزم شناخت دقیق استعدادها و توان بالقوه بخش‌ها و ترکیب آن در مناطق است تا بتوان برنامه ریزی و اشتغال زایی متوازن و متعادلی را در هر یک از بخش‌ها و مناطق محقق ساخت. از سوی دیگر، روند تحولات جهانی مانند تغییرات چشمگیر در وضعیت جمعیتی، استقبال از مهاجرت، ظهور فناوری‌های نو، تولد سازمان‌های جدید اجتماعی و طرح دیدگاه‌های نوین در مدیریت سازمان، افق‌های تازه ای را فراروی برنامه ریزان و مدیران امور اشتغال قرار می‌دهد. (داگفوس، ۲۰۰۴)^۲

در ایران پس از گذشت چهار برنامه توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی شاهد نرخ‌های بیکاری بالا در برخی از استانها هستیم که تفاوت فاحشی با نرخ بیکاری کشور دارند. تجزیه و تحلیل اشتغال در یک منطقه به درک بهتر جریان

ایجاد اشتغال کمک مینماید. زیرا، شناختن فعالیتهایی که موتور رشد منطقه هستند، در کنار شناخت روند و تغییرات اشتغال در منطقه ضمن کاستن دغدغه‌های سیاستگذاران و برنامه ریزان در زمینه بیکاری می‌تواند منجر به شکوفایی بازارهای منطقه و جهت دهی اشتغال به سوی سرمایه گذاریهای مولد شود. با توجه به نرخ بیکاری ۸،۵ درصدی در استان سمنان در سال ۱۳۹۴ (گازنامه آماری استان سمنان ۱۳۹۴) در این تحقیق سعی بر آن است تا با بررسی روند اشتغال در استان سمنان و تعیین فعالیتهای پایه اقتصادی و تعیین موقعیت رقابتی هر بخش اقتصادی در استان نسبت به کشور زمینه ارتقاء سطح سیاستگذاری مرتبط با استان را بیشتر فراهم آید.

بازار کار به عنوان حلقه ارتباط بین عرضه و تقاضای اقتصاد، نقش پر اهمیتی را در به تعادل رساندن اقتصاد به عهده دارد. بنابراین، اطلاع از ساختار بازار کار کشور به منظور سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی مطلوب ضروری به نظر می‌رسد. نیروی کار از مهمترین عامل تولیدی در هر اقتصاد محسوب می‌شود که افزایش بهره‌وری از این منبع نیازمند برنامه‌ریزی و سیاستگذاری است. شرکتها علاوه بر روابط خارجی نیازمند نیروهای خلاق و نوآور برای ارتقا توان داخلی خود می‌باشند تا بتوانند بر عملکرد خود تاثیر مثبت بگذارند. از جمله اقداماتی که در راستای برنامه ریزی اشتغال لازم است، کالبد شکافی ساختار اشتغال از یک سو و شناسایی بخشهای مولد شغل از سوی دیگر می‌باشد. کاهش بیکاری نیازمند حجم قابل توجهی از منابع مالی می‌باشد. در شرایط حاضر، از جمله راه‌های مفید در این راستا، ایجاد و گسترش اشتغال از طریق افزایش سرمایه‌گذاری در بخشهای کاربر می‌باشد. بخشهای عمده فعالیت، ساختار اساسی اقتصادی جامعه رانشان می‌دهد. چون در هنگام محاسبه تولید ناخالص داخلی منطقه ای هر استان از تفکیک فعالیتهای اقتصادی به بخش‌های کشاورزی-صنعت-خدمات و غیره استفاده می‌شود، در هنگام بررسی اشتغال نیز ترکیب شاغلان در این بخش‌ها نماد اصلی ساختار اقتصادی استان محسوب میگردد. پاسخ به پرسشهایی نظیر چگونگی روند و سطح اشتغال در دوره‌ها و بخشهای متفاوت، اولویت بخشهای اقتصادی به منظور فراهم آوردن فرصتهای شغلی، از جمله مهمترین ابزار شناخت اقتصاد هر منطقه در راستای ایجاد و برنامه‌ریزی اشتغال است. جهت پاسخگویی به مباحث فوق در مقاله حاضر از آمارهای حاصل از سرشماری نفوس و مسکن استان و کشور در سه دهه ۱۳۷۴-۱۳۸۴-۱۳۹۴ و مدل‌های اقتصاد پایه و تغییر سهم استفاده شده است.

مشکل را می‌توان از طریق تحلیل‌های پویا و به کارگیری آمار سالیانه از بین برد.

آی و پرینتیلا^۳(۲۰۰۷)، در موضوعی با عنوان تجزیه و تحلیل تغییر سهم روی رشد اشتغال منطقه ای به بررسی رشد اشتغال گروه‌های صنعتی کشور مکزیک پرداخته‌اند آنها در نهایت سهم رشد ملی و ترکیب صنعتی در تمام مناطق و اثر رقابتی آن را محاسبه نموده‌اند.

شی چانیون و همکاران^۴(۲۰۰۷)، در مطالعه ای به تجزیه و تحلیل رقابت توریسم بین الملل با استفاده از تحلیل تغییر مکان - سهم پرداختند و به این نتیجه رسیدند که رشد توریسم بین الملل به طور اساسی به جز رشد ملی و جز رقابتی آن نسبت داده مس شود.

پایولو جرمیس و همکاران^۵(۲۰۰۹)، پس از آزمون داده‌های بدست آمده با روش ضریب مکانی، به این نتیجه رسیدند که این مدل داده‌های با ارزشی را بدست می‌دهد بنابراین با استفاده از این مدل به بررسی وضعیت صنایع کارخانه ای آمریکا پرداختند.

ب) مطالعات داخلی

زیاری (۱۳۷۸)، تغییرات ساختار اشتغال شهرستان الیگودرز را با در نظر گرفتن استان لرستان به عنوان اقتصاد مرجع، با استفاده از مدل تغییر سهم برای دوره زمانی ۱۳۵۵-۱۳۶۵ مورد بررسی قرار داده است. نتایج بدست آمده از این تحقیق حاکی از آن است که در این شهرستان در دوره مورد بررسی بخش کشاورزی، صنعت، معدن و ساختمان بازنده اقتصادی هستند و بخش‌های آب، برق و گاز، خدمات مالی و خدمات اجتماعی جزء بخش‌های برنده اقتصادی و بخش‌های عمده فروشی، حمل و نقل و خدمات نامشخص جزء بازنده مختلط می‌باشد.

کمیحانی (۱۳۷۹)، در پژوهشی راجع به عملکرد سیاست‌های اشتغال در ایران مهم ترین عامل موثر نیروی کار را رشد اقتصادی عنوان می‌کند در این مطالعه به ازای یک درصد تغییر در تولید ناخالص ملی ۰،۵ تا ۰،۶ درصد تغییر در نیروی کار ایجاد می‌شود.

زیاری (۱۳۸۰)، در " طرح جامع توسعه اشتغال استان یزد" به بررسی و تحلیل روند اشتغال در استان یزد طی دوره ۱۳۵۵-۱۳۷۵ با استفاده از تکنیک‌های برنامه ریزی و ضریب مکانی می‌پردازد.

صباغ کرمانی و جمشیدی (۱۳۸۰)، از طریق روابط مدل تغییر مکان-سهم به بررسی روند رشد اشتغال و تغییرات ساختاری آن در بخش صنعت در استان‌های مختلف کشور برای دوره زمانی ۱۳۵۳-۱۳۷۳ پرداختند. نتیجه این تحقیق آن است که از میان ۲۴ استان کشور، میزان رشد

مدل‌های تحلیلی ضریب مکانی و تغییر سهم، ابزار اصلی استنباط اقتصادی منطقه‌ای را از لحاظ تأثیر فعالیت‌های مختلف اقتصادی فراهم می‌آورند. این روش‌ها و تکنیک‌های تحلیلی به ارزیابی فعالیت‌های مذکور در ارتباط با یکدیگر و مقایسه با فعالیت‌های مشابه در مناطق دیگر کمک می‌کند. همچنین این مدل‌ها روشی برای شناسایی و تعیین فرصت‌ها و امکانات جهت تغییر ساختار اقتصاد منطقه در زمینه بهبود عملکرد آن فراهم می‌کند. در تحلیل‌های تغییر سهم، تغییر در اشتغال (تولید و...) یک شهر نسبت به تغییر در اشتغال (تولید و...) منطقه در طی یک دوره زمانی معین می‌تواند مزیت نسبی پویای یک بخش را در یک منطقه را تجزیه و تحلیل کند (مصری‌نژاد و همکاران، ۱۳۸۳) در این مقاله دو فرضیه زیر مورد آزمون قرار می‌گیرند:

۱- بخش معدن در سالهای ۱۳۷۴-۱۳۸۴-۱۳۹۴ جزء بخش‌های پایه ایی استان سمنان (از نظر اشتغال) می‌باشد.

۲- استان سمنان دارای مزیت نسبی در اشتغال زایی معدن می‌باشد.

اهداف کلی این تحقیق عبارتند از:

الف) تعیین فعالیت پایه، فعالیت‌هایی که در زمینه اشتغالزایی در سطح استان دارای مزیت نسبی هستند.

ب) بررسی تغییرات اشتغال در کشور در دهه ۱۳۷۴ تا ۱۳۹۴

ج) تعیین رشد یا نزول نسبی هر بخش در اقتصاد کشور
د) تعیین موقعیت رقابتی هر بخش اقتصادی استان در مقایسه با کشور

برای نیل به اهداف فوق در این تحقیق از روش پژوهش "توصیفی-تحلیلی" استفاده می‌شود. برای این منظور، با استفاده از نتایج سرشماری‌های سالهای ۱۳۷۴-۱۳۸۴-۱۳۹۴ آمارهای مربوطه استخراج و با بهره گیری از مدل اقتصاد پایه و استخراج ضریب مکانی، مدل تغییر سهم، نرم افزارهای آماری مرتبط، مبادرت به تحلیل روند اشتغال و شناخت فعالیت‌های پایه اقتصادی استان سمنان تجزیه و تحلیل می‌گردد.

۲- مروری بر مطالعات انجام شده

الف) مطالعات خارجی

کلوسترمن (۲۰۰۱)، در مقاله‌ای با عنوان تجزیه و تحلیل پویای تغییر سهم نشان داد که رویکرد ایستای مقایسه‌ای، تغییرات مستمر در هر دو ترکیب صنایع و اندازه کل اشتغال منطقه در دوره مورد بررسی را محاسبه نمی‌کند، که این

استان با رشد آنها در استان متناسب نبوده است. مدل تغییر مکان - سهم علت این رشد نامتناسب را تغییرات ساختاری و رقابت منفی در دوره اول و تغییرات رقابتی مثبت در دوره دوم معرفی می‌کند. همچنین برآورد حاصل از مدل اقتصاد پایه بیانگر آن است که بخش کشاورزی و زیر بخش ساختمان در هر دو دوره مورد بررسی جزء بخشهای پایه ای و بقیه بخشها (به جزء بخش خدمات و فعالیتهای نامشخص که در سال ۷۵ پایه ایی بوده اند) غیر پایه محسوب شده اند. صیدانی و همکاران (۱۳۹۰)، در مقاله ای با عنوان "تحلیل مکانی فضایی ساختار اقتصادی اشتغال در استان چهار محال و بختیاری" به این نتیجه رسیدند که اشتغال این استان به سمت خدمات میل می‌کند و در دهه‌های آینده شاهد رشد اشتغال در بخش خدمات و کاهش شاعلین دیگر بخش‌های اقتصادی در این استان خواهیم بود.

بررسی پیشینه مطالعات بر این دلالت دارد که شناخت قدرت و ضعف بخشهای مختلف اقتصاد محلی به منظور بررسی رشد متناسب یا نامتناسب اشتغال در بخشهای مختلف اقتصادی در راستای تدوین استراتژی‌های توسعه ملی و محلی امری ضروری و کارآمد است و اگرچه امروزه با توجه به سیاست‌های کلان در امر سیاست گذاری منطقه ای (درون استانی) بعنوان یک اصل کلی پذیرفته شده است اما این به آن معنی نیست که آنچه در سطح ملی مناسب است برای تمام استانها و مناطق نیز مفید باشد از طرفی عمده مطالعات از مدلهای خاص و برای فعالیتهای جمعی اقتصاد استفاده نموده اند، شناخت استعدادها و توانیهای بخش معدن استان سمنان از نظر اشتغال، با استفاده از مدل تلفیقی ضریب مکانی و تغییر مکان- سهم، از نوآوری تحقیق حاضر است.

۳- معرفی مدل و متغیرها

۳-۱- تصریح مدل

جهت تجزیه و تحلیل فروض و نیل به اهداف در این مقاله از دو مدل زیر استفاده شده است:

الف) مدل اقتصاد پایه

ب) مدل تغییر سهم

نظریه اقتصاد پایه از اولین نظریه‌های رشد اقتصادی منطقه ای بوده و از شهرت زیادی برخوردار است. در ساده ترین شکل، نظریه اقتصاد پایه، نرخ رشد منطقه را به تابعی از عملکرد صادراتی منطقه فرض مینماید. کاربرد مدل اقتصاد پایه (پایه صادرات) نیز از پیشینه زیادی برخوردار است، طوری که نورث (۱۹۵۵) اولین کسی بود که نقش فعالیت‌های مربوط به پایه صادرات منطقه ای را در مورد

اشتغال صنعتی برای ۲۰ استان بیش از کل کشور و برای ۴ استان کمتر از کل کشور بوده است. همچنین میزان رشد اشتغال صنعتی در ۱۱ استان از دوره اول (۱۳۵۳-۱۳۶۳) به دوره دوم (۱۳۶۴-۱۳۷۳) افزایش یافته است، به عبارتی اشتغال صنعتی در ۱۱ استان در حال شکوفایی بوده است. احمد جعفری صمیمی (۱۳۸۰) در "بررسی مزیت نسبی اشتغال زایی، صادراتی و ارزش افزوده ای صنعت نساجی در استان مازندران" هدف اصلی مقاله حاضر بررسی مزیت نسبی صنعت نساجی و چرم در استان مازندران به منظور تحقق اهداف اقتصاد کلان مخصوصاً اشتغال زایی و صادراتی می باشد.

امین بیدختی (۱۳۸۲)، در "مطالعات جامع توسعه اشتغال استان سمنان" پس از بررسی عوامل موثر بر عرضه و تقاضای نیروی کار در استان سمنان با استفاده از مدل‌های اقتصاد سنجی لاجیت و پروبیت به برآورد توابع عرضه و تقاضا در استان سمنان پرداخته است.

زیاری (۱۳۸۳)، در "بررسی سیاستها و زمینه‌های ایجاد اشتغال در استان سمنان" پس از تحلیل سیاست‌های تعیین کننده میزان اشتغال در استان سمنان و بررسی طرف عرضه و تقاضای بازار کار، در ادامه با استفاده از رهیافت تغییر مکان - سهم وضعیت اشتغال شهرستان‌های استان مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته است و به این نتیجه رسیده است که رشد اشتغال در بخش‌های مختلف اقتصادی متناسب با رشد کشور نبوده و همچنین نحوه تمرکز سیاست‌های ایجاد اشتغال با توجه به مزیت نسبی استان نبوده است.

مصری نژاد ولیلا (۱۳۸۳)، "تجزیه و تحلیل ساختار اشتغال در بخشهای عمده اقتصادی مناطق شهری ایران طی دوره ۱۳۷۲-۱۳۸۲ با رهیافت تغییر سهم و شاخص LQ به این نتیجه رسیده اند که بخشهای معدن، ساختمان، آب، برق و گاز، عمده فروشی، حمل و نقل و خدمات مالی از میان ده بخش عمده فعالیتهای شهری کشور، دارای اثر رقابتی مثبت هستند. در سال ۷۲ به غیر از بخشهای کشاورزی و معدن سایر بخشها در گروه فعالیتهای پایه قرار داشتند در حالیکه در سال ۸۲ بخش کشاورزی و خدمات نامشخص در گروه فعالیتهای غیر پایه ایی جای گرفتند.

سبحانی و درویشی (۱۳۸۴)، در مقاله ایی تحت عنوان "بررسی مزیت‌های نسبی و تحلیل ساختاری اشتغال در استان ایلام" دوهدف عمده را دنبال کرده اند: بررسی علل رشد متناسب یا نامتناسب شاغلان استان ایلام نسبت به کشور و تعیین فعالیتهای پایه و غیر پایه اقتصادی در استان (از نظر اشتغال). نتایج حاکی از آن است که در هر دو دوره مورد بررسی (۱۳۶۵-۱۳۵۵) و (۱۳۷۵-۱۳۶۵) رشد شاغلان

$$K = \frac{nBE}{BE}$$

$$TE = BE + KBE$$

$$TE = (1 + K)BE$$

که در آن: TE تعداد کل شاغلین منطقه، BE شاغلین

بخشهای پایه، NBE شاغلین بخش غیر پایه، $K + 1$

ضریب پایه و K نسبت پایه است.

در این روش با استفاده از آمارهای مربوط به اشتغال در فعالیتهای مختلف اقتصادی برای تعیین فعالیت های پایه ای استان سمنان، از ضریب مکانی (LQ) استفاده شده است. این روش برای شناسایی بخش پایه در مناطق مختلف بکار می رود و یکی از معروفترین نظریه رشد اقتصاد پایه ای است. این نظریه بر تفکیک فعالیت های پایه ای و غیرپایه ای تاکید دارد. نسبت مکانی معرف سهم تولید هر بخش در منطقه به سهم کل تولید در کشور است. مدل LQ یا ضریب مکانی از رابطه زیر بدست می آید:

$$LQ_i = \frac{\frac{e_i}{\sum E_i}}{\frac{E_i}{\sum E_i}}$$

که در آن LQ_i ضریب مکانی اشتغال منطقه (استان) در بخش i ، e_i اشتغال منطقه در بخش i ، E_i اشتغال کشور در بخش i ، $\sum e_i$ کل اشتغال منطقه و $\sum E_i$ کل اشتغال کشور است.

اگر $LQ = 1$ باشد، منطقه خودکفا است. اگر $LQ > 1$ باشد، منطقه صادرکننده نیروی شاغل خود می باشد و میزان آن فعالیت پایه ای یا اقتصاد پایه ای را بیان می نماید. در صورتی که $LQ < 1$ باشد، منطقه وارد کننده نیروی شاغل است و مقدار این فعالیت ها اقتصاد غیرپایه ای یا تبعی است. (کلوسترمان، ۲۰۰۱)

مدل تغییر سهم، یکی از مدل های رایج جهت تجزیه و تحلیل اشتغال می باشد. کاربرد روش های پایه صادرات و تحلیل تغییر مکان - سهم در برنامه ریزی های منطقه ای کشورهای توسعه یافته بسیار متداول است. به عنوان مثال سیفرید (۱۹۸۶)، فردریک و گیل (۱۹۹۷) و دانیل سوی (۱۹۹۵) روش تغییر مکان - سهم را بکار گرفته اند. (صباغ کرمانی، ۱۳۸۰)

در مدل تغییر مکان - سهم مقیاس مرجع به کشور گفته می شود که استان نسبت به آن سنجیده می شود. این تحلیل، فن نسبتاً ساده ای است که تلاش میکند برخی از عواملی را تعیین کند که اساساً به اختلاف رشد و در نتیجه،

رشد یک منطقه به رسمیت شناخت. طبق این نظریه باید بین فعالیتهایی که منطقه در آن تخصص دارد از یک طرف و سایر فعالیتهای از سوی دیگر تفاوت قائل شد در نهایت بخش صادراتی مناطق است که موجب رشد اقتصادی میگردد. (داینی، ۲۰۰۲)^۷

افزایش فعالیتهای اقتصادی در بخش پایه موجب افزایش رشد اشتغال کل و در نتیجه بخشهای غیر پایه نیز خواهد شد. از آنجائیکه آمارهای مربوط به اشتغال راحت تر از سایر آمارهای فعالیتهای اقتصادی در دسترس می باشد. این مدل معمولاً در مطالعات اشتغال به کار برده شده است (صباغ کرمانی، ۱۳۸۰). تولید ناخالص منطقه ای GRP^8 را می توان به صورت زیر نوشت:

$$GRP = C + I + G + NX$$

که در آن C صرف، I سرمایه گذاری، G هزینه های دولت و NX خالص صادرات می باشد. از طرف دیگر داریم:

$$Y = B + NB$$

که در آن Y کل فعالیت اقتصادی منطقه، B فعالیت بخش پایه^۹، NB فعالیت بخش غیر پایه بخش پایه؛ شامل تمامی فعالیتهایی است که بازار نهایی آنها در خارج از منطقه است. این فعالیتهای منجر به صدور کالا یا خدمت میشوند و رشد و موجودیت چنین فعالیتهایی به توانایی منطقه در صدور کالاها ارتباط دارد.

بخش غیر پایه^{۱۰}: شامل آن دسته از فعالیتهای اقتصادی منطقه است که بازار نهایی آنها درون منطقه بوده و برای مصرف داخل کالا یا خدمات تولید میکنند. بخش غیر پایه در حقیقت به عنوان پشتیبان و حمایت کننده برای فعالیتهای پایه عمل می کند. (کلوسترمان، ۲۰۰۲)^{۱۱}

اگر فرض شود:

$$K = \frac{NB}{B}$$

خواهیم داشت:

$$Y = B + KB = (1 + K)B$$

در رابطه اخیر $(1 + K)$ ضریب تکاثری^{۱۲} بخش پایه است. از آنجایی که K همیشه ثابت است، ضریب تکاثری از یک بیشتر خواهد بود: به عبارت دیگر، درآمد کل منطقه از درآمد بخش پایه بیشتر است.

همانطور که عنوان شد، به دلیل سادگی دستیابی به آمار اشتغال و در مقابل مشکلات موجود در دسترسی به آمار بخشهای مختلف اقتصادی، معمولاً از آمار مربوط به اشتغال استفاده می شود. در این مقاله کل اشتغال در منطقه به دو جزء پایه و غیر پایه تقسیم و نسبت اشتغال غیر پایه به اشتغال پایه برابر مقدار ثابت K در نظر گرفته شده است:

$$TE = BE + nBE$$

با توجه به ساختار جمعیت استان در دهه ۷۴-۸۴ و ۹۴ مشاهده می‌شود که ساختار سنی جمعیت استان سمنان همانند جمعیت کل کشور در سال ۱۳۷۴ و همانند کشورهای در حال توسعه بود. افزایش جمعیت و ساختار نیروی کار استان سمنان در سه دهه گذشته در جدول (۱) خلاصه شده است. در دهه ۷۴ تا ۹۴ این ساختار تغییر کرد و اثرات کاهش جمعیت در آن کاملاً مشهود است. کاهش جمعیت در سالهای اخیر روی جمعیت فعال ده ساله و بیشتر تاثیر قابل ملاحظه ای نداشته و حتی باعث شده است که جمعیت ده ساله و بیشتر نسبت به سرشماری دهه ۷۴ حجم بیشتری را به خود اختصاص دهد. بر پایه نتایج سرشماری دهه ۱۳۹۴ کل جمعیت شاغل استان معادل ۱۷۶۶۹۲ نفر بود که این رقم نسبت به جمعیت شاغل سال ۱۳۸۴ معادل ۱۳۱۰۳۶ نفر و در سال ۱۳۷۴ معادل ۹۸۳۹۰ نفر بوده است. نرخ اشتغال در دهه ۷۴، ۸۴، ۹۴ به ترتیب ۸۹،۳،۹۵،۳،۹۱،۵ درصد بوده است که حاکی از نرخ بیکاری ۱۰،۷،۴،۷،۸،۵ درصدی در سه دهه گذشته می‌باشد. (سالنامه آماری نفوس و مسکن استان سمنان ۱۳۷۴، ۸۴، ۹۴)

جدول ۲ توزیع شاغلان بر حسب وضعیت سواد را نشان می‌دهد: در سال ۱۳۷۴-۱۳۸۴-۱۳۹۴ به ترتیب ۸۵، ۷۰، ۹۲ درصد از شاغلین کشور با سواد بوده اند. توزیع شاغلان باسواد بر حسب سطح تحصیلات نشان می‌دهد که بیشترین درصد سطح تحصیلات در سالهای ۱۳۷۴ و ۱۳۸۴ مربوط به گروه ابتدایی (به ترتیب ۴۰ و ۳۱ درصد) و برای سال ۱۳۹۴ مربوط به دوره متوسطه معادل ۳۲/۱ درصد می‌باشد. جدول ۲ همچنین گویای آن می‌باشد که در صد شاغلین با سواد با تحصیلات عالی دارای روند صعودی است به طوری که این درصد در سال ۱۳۹۴ نسبت به ۱۳۷۴ حدوداً ۲،۵ برابر شده است. ارقام جدول روند مثبت گسترش سواد در دوره ۱۳۷۴-۱۳۸۴-۱۳۹۴ بخصوص افزایش شاغلان با

اختلاف در امکانات اشتغال مناطق یا نواحی محلی مختلف می‌انجامد. در جریان این تشخیص، روش یاد شده صرفاً علت تفاوت در میزان رشد مناطق مختلف را جویا می‌شود. (برایان و فیلد، ۱۳۸۶)

مدل تغییر سهم، تاثیر بسیار عملی را در تجزیه و تحلیل اثرات ساختار صنعتی بر روی اقتصاد منطقه ای و محلی دارد و سعی می‌کند به ارائه راهکارهایی برای اقتصاد صنعتی بپردازد. مدل تغییر مکان - سهم می‌تواند به تجزیه و تحلیل کلیه عوامل اقتصادی می‌پردازد. تجربه نشان می‌دهد که این مدل توانایی توضیح و تفسیر بسیاری از مشکلات اقتصادی را دارد. (هنری و هرزوک، ۲۰۰۷) شکل کلی مدل به شرح زیر است:

$$A = \frac{E_R^{85}}{E_R^{65}} - 1$$

$$B = \frac{E_i^{85}}{E_i^{65}} - \frac{E_R^{85}}{E_R^{65}}$$

$$C = \frac{E_{Ri}^{85}}{E_{Ri}^{65}} - \frac{E_R^{85}}{E_R^{65}}$$

که در آن E_R کل اشتغال در اقتصاد کشور، E_i اشتغال در بخش i در سطح استان، E_{Ri} اشتغال بخش i در سطح استان و E_{Ri} اشتغال بخش i در سطح کشور است. عنصر A تغییرات اشتغال را در اقتصاد کشور از دهه ۱۳۶۵ تا دهه ۱۳۸۵ نشان می‌دهد. عنصر B رشد یا نزول نسبی هر بخش اقتصاد کشور را در کل کشور اندازه گیری می‌کند: مثبت یا منفی بودن این شاخص به معنی صعود یا نزول آن بخش در کل اقتصاد کشور است. عنصر C موقعیت رقابتی هر بخش اقتصادی استان را در مقایسه با اقتصاد کشور اندازه گیری می‌کند که ممکن است مثبت یا منفی باشد. (صباغ کرمانی، ۱۳۸۰)

۳-۲- بررسی روند اشتغال

جدول شماره ۱: تحول جمعیت و نیروی کار در استان سمنان

شرح	۱۳۷۴	۱۳۸۴	۱۳۹۴
کل جمعیت	۴۱۷۰۳۵	۵۰۱۴۴۷	۵۸۹۷۴۲
جمعیت کمتر از ده سال	۱۲۵۹۱۸	۱۰۷۱۸۶	۸۵۲۲۸
جمعیت ده سال و بیشتر	۲۹۱۱۱۷	۳۹۴۲۶۱	۵۰۴۵۱۴
جمعیت فعال از نظر اقتصادی	۱۱۰۰۳۶	۱۳۷۵۵۹	۱۹۲۹۱۵
شاغل	۹۸۳۹۰	۱۳۱۰۳۶	۱۷۶۶۹۲
بیکار جویایی کار	۱۱۶۴۶	۶۵۲۳	۱۶۲۲۳
جمعیت غیر فعال از نظر اقتصادی	۱۸۱۰۵۶	۲۵۲۰۰۴	۳۰۸۳۲۳

منبع: آمار سرشماری نفوس و مسکن استان سمنان (۷۴-۸۴-۹۴)

جدول شماره ۲: توزیع نسبی جمعیت شاغل ۱۰ ساله و بیشتر بر حسب سواد

سال	جمع	بی سواد	با سواد	جمع با سواد	ابتدایی	راهنمایی	متوسطه	عالی	سایر
۱۳۷۴	۱۰۰	۲۹،۵۸	۷۰	۱۰۰	۴۰	۱۵،۴	۲۷،۶	۸،۸	۸،۲
۱۳۸۴	۱۰۰	۱۵،۲	۸۵	۱۰۰	۳۱	۲۳،۹	۲۵،۵	۱۴	۵،۶
۱۳۹۴	۱۰۰	۸،۲۲	۹۲	۱۰۰	۲۰	۲۳،۷	۳۲،۱	۲۰	۳،۳۴

منبع: بر اساس آمارسرشماری نفوس و مسکن استان سمنان (۷۴-۸۴-۹۴) محاسبه شده است

نشان داده شده است. آمارهای موجود حاکی از آن است که در سال ۱۳۷۴ بالاترین و پایین ترین سهم از اشتغال به ترتیب گروه شغلی کارگران تولیدی و امور حمل و نقل با ۳۴ درصد و مدیران و کارکنان عالی رتبه اداری با ۰،۴ درصد بوده اند. این گروهها برای سال ۷۵ به ترتیب گروه شغلی کارکنان امور بازرگانی، فروش و خدماتی ۴۲،۵ درصد و مدیران و کارکنان عالی رتبه اداری ۳ درصد. در سال ۹۴ گروه شغلی کارکنان امور بازرگانی، فروش و خدماتی با ۴۷ درصد بالاترین سهم و گروه شغل مدیران و کارکنان عالی رتبه اداری با ۴ درصد دارای کمترین سهم بوده اند. نکته دیگر اینکه سهم گروه شغلی نامشخص از سال ۷۴ تا ۹۴ در حال کاهش بوده است که دلالت بر افزایش توانایی گروههای عمده شغلی در جذب نیروی کار دارد.

تحصیلات عالی را نشان می دهد. هرچند نباید از سهم بالای شاغلان با سواد در سطح ابتدایی چشم پوشی کرد، بالا بودن این سهم در بین شاغلان با سواد می تواند نشان دهنده سهم اندک آموزش حرفه ای و کم بهاء دادن به ارتقاء مهارت حرفه ای نیروی کار در استان باشد.

ساختار توزیع نیروی انسانی در دوره ۷۴-۱۳۹۴ بین بخش های مختلف اقتصادی دچار تغییرات قابل ملاحظه ای شده است. جدول شماره ۳ توزیع شاغلان ده ساله و بیشتر را در بخشهای عمده اقتصادی نشان می دهد. همانطوری که مشاهده می شود، توزیع شاغلان در بخش کشاورزی و معدن کاهش و در بخش صنعت و خدمات افزایش یافته است (گرچه توزیع شاغلان در بخش خدمات از ۵۰،۵ درصد در سال ۷۴ به ۴۸ درصد در سال ۹۴ کاهش یافته است).

توزیع شاغلان ده ساله و بیشتر در جدول ۴ بر حسب گروههای عمده شغلی در سه دهه ۱۳۷۴-۱۳۸۴-۱۳۹۴

جدول ۳: توزیع شاغلان ۱۰ ساله و بیشتر بر حسب بخشهای عمده فعالیت

سال	کشاورزی		صنعت		معدن		خدمات		اظهار نشده	
	تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد
۱۳۷۴	۲۵۰۷۷	۲۵،۶	۲۰۷۰۰	۲۱	۳۸۸۶	۴	۴۶۳۳۸	۴۷	۲۳۸۹	۲۰،۴
۱۳۸۴	۲۷۸۳۲	۲۱	۳۱۹۸۷	۲۴،۵	۳۴۱۷	۲،۶	۶۵۹۱۳	۵۰،۵	۱۸۸۷	۱،۴
۱۳۹۴	۳۰۸۱۸	۱۷،۵	۵۴۸۱۳	۳۱	۳۷۲۲	۲	۸۴۷۱۹	۴۸	۲۶۲۰	۱،۵

منبع: بر اساس آمارسرشماری نفوس و مسکن استان سمنان (۷۴-۸۴-۹۴) و محاسبه شده است

جدول ۴: مقایسه توزیع شاغلان ده ساله و بیشتر بر حسب گروههای عمده شغلی

شرح	۱۳۷۴		۱۳۸۴		۱۳۹۴	
	تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد
جمع	۹۸۳۹۰	۱۰۰	۱۳۱۰۳۶	۱۰۰	۱۷۶۶۹۲	۱۰۰
علمی، فنی و تخصصی	۱۳۲۵۶	۱۳،۵	۱۲۸۸۶	۹،۸	۱۷۶۱۳	۱۰
مدیران و کارکنان عالی رتبه اداری	۴۱۴	۰،۴	۳۷۵۷	۳	۶۷۸۸	۴
مدیران و کارکنان امور دفتری و اداری	۴۳۴۲	۴،۵	۶۷۵۰	۵	۱۰۲۹۲	۵،۷
کارکنان امور بازرگانی، فروش و خدماتی	۱۰۱۷۰	۱۰،۳	۵۵۶۸۴	۴۲،۵	۸۲۷۹۹	۴۷
کشاورزان، دامداران و جنگل داران	۲۵۴۶۷	۲۶	۲۲۱۷۵	۱۷	۲۳۵۳۵	۱۳،۳
کارگران تولیدی و امور حمل و نقل	۳۳۶۱۷	۳۴	۱۲۷۲۲	۹،۷	۲۲۹۵۱	۱۳
مشاغل نامشخص	۱۱۱۲۴	۱۱،۳	۱۷۰۶۲	۱۳	۱۲۷۱۴	۷

منبع: بر اساس آمارسرشماری نفوس و مسکن استان سمنان (۷۴-۸۴-۱۳۹۴) و محاسبه شده است

۴- تجزیه و تحلیل ساختاری

نتایج حاصل از کاربرد مدل اقتصاد پایه در جدول ۵ خلاصه شده است. ضرائب LQ برای فعالیتهای مختلف اقتصادی استان سمنان در دهه های ۱۳۷۴-۱۳۸۴-۱۳۹۴ بر اساس مدل اقتصاد پایه محاسبه شده است.

جدول ۵: نتایج مدل اقتصاد پایه در استان سمنان (ضرائب LQ فعالیتهای مختلف اقتصادی در سالهای ۱۳۷۴-۱۳۸۴-۱۳۹۴)

شرح	۱۳۷۴	۱۳۸۴	۱۳۹۴
کشاورزی	۰.۸۸	۰.۹۲	۰.۹۷
معادن	۱۳.۴۲	۳.۱۷	۲.۸۳
صنعت	۰.۷۴	۰.۸۴	۱.۰۵
برق و آب و گاز	۰.۷۶	۱.۱۰	۱.۱۵
ساختمان	۰.۹۷	۰.۷۵	۰.۹۳
خدمات	۱.۱۱	۱.۱۳	۱
اظهار نشده	۰.۷۴	۰.۸۲	۰.۶۲

منبع: بر اساس مدل اقتصاد پایه بدست آمده است

همانگونه که در جدول مشاهده می شود، بخش معدن در استان سمنان در سالهای ۱۳۷۴-۱۳۸۴-۱۳۹۴ جزء بخشهای پایه بوده است. هرچند که این بخش می تواند نقش مهمی را در رشد و توسعه استان ایفا نماید، اما ضریب LQ مربوطه دارای روند نزولی است. بخش خدمات در سالهای ۷۴ و ۸۴ جزء بخش پایه ای استان بوده است: این بخش با روند نزولی ضریب LQ در سال ۹۴ به بخش خودکفا در استان تبدیل شده است. بخش صنعت استان در سالهای ۶۵ و ۷۵ جزء بخش غیر پایه بوده است ولی در سالها ۹۴ با افزایش ضریب LQ به ۱.۰۵ به بخش خودکفا و پایه تبدیل شده است. گرچه زیر بخش برق، گاز و آب در سال ۱۳۷۴ جزء بخش غیر پایه ایی بوده است، با افزایش ضریب LQ در سالهای ۸۴ و ۹۴ به بخش پایه ایی تبدیل گشته است. بخش کشاورزی و زیر بخش ساختمان در سه دهه گذشته

۷۴، ۸۴ و ۹۴ همواره جزء بخش غیر پایه ایی استان بوده اند. نکته مهم دیگر اینکه فعالیتهای اظهار نشده و نامشخص از سال ۷۴ تا ۹۴ نه تنها جزء بخش غیر پایه ایی محسوب میشوند بلکه ضریب LQ مربوطه در دهه ۹۴ نسبت به ۸۴ دارای روند نزولی نیز می باشد. این پدیده یک امری مثبت است، چرا که عدم رشد این فعالیتهای مبین وجود مشاغل مناسب و کافی در استان است که مانع از جذب شاغلین به فعالیتهای نامشخص میگردد. در جدول (۶) فعالیتهای اقتصادی استان بر حسب بخش پایه، غیر پایه و خود کفا در سالهای ۱۳۷۴-۱۳۸۴-۱۳۹۴ نشان داده شده است.

جدول ۶: تفکیک فعالیتهای اقتصادی استان سمنان به بخشهای پایه، غیر پایه و خودکفا در سالهای ۱۳۷۴-۱۳۸۴-۱۳۹۴

شرح	۱۳۷۴	۱۳۸۴	۱۳۹۴
کشاورزی	×	×	×
معادن	×	×	×
صنعت	×	×	×
برق و آب و گاز	×	×	×
ساختمان	×	×	×
خدمات	×	×	×

منبع: جدول ۵

نتایج حاصل از بکارگیری مدل تغییر سهم در جدول ۷ خلاصه شده است. تحلیل روند ساختار اشتغال استان نسبت به کشور در دوره ۱۳۷۴-۱۳۹۴ با بهره گیری از مدل تغییر سهم می توان گفت که اقتصاد کشور دارای ضریب مثبت ۰.۸۶۱ می باشد که حاکی از روند صعودی در تغییرات اشتغال است. تغییرات بخش معدن در سطح کشور صعودی و دارای ضریب ۳.۸۴۳+ می باشد در حالیکه عملکرد این بخش

جدول شماره ۷: بررسی وضعیت اقتصادی استان سمنان نسبت به کشور طی دوره ۱۳۷۴ تا ۱۳۹۴

شرح	۱۳۷۴		۱۳۹۴		A	B	C	LQ ₈₅
	استان سمنان	کل کشور	استان سمنان	کل کشور				
کشاورزی	۲۵.۰۷۷	۳۱۹۰.۷۶۴	۳۰.۸۱۸	۳۶۸۶۷۴۷	۰.۸۶۱	۰.۲۹۴	۰.۰۷۳	۰.۹۷
معادن	۳۸۸۶	۳۲۳۷۰	۳۷۲۲	۱۵۲۲۵۴	۰.۸۶۱	۳.۸۴۳	-۳.۷۴۶	۲.۸۳
صنعت	۹۶۱۴	۱۴۵۱۳۳۳	۳۱۴۵۴	۳۴۸۵۱۹۱	۰.۸۶۱	۱.۵۴	۰.۸۷	۱.۰۵
برق و آب و گاز	۶۱۸	۹۱۰۴۴	۲۲۳۱	۲۲۴۸۱۱	۰.۸۶۱	۱.۶۰۸	۱.۱۴۱	۱.۱۵
ساختمان	۱۰۴۶۸	۱۲۰۶۲۶۵	۳۱۱۲۸	۲۶۳۱۱۴۲	۰.۸۶۱	۱.۲۲	-۰.۱۶۳	۰.۹۳
خدمات	۴۶۳۳۸	۴۶۷۰۰۴۸	۸۴۷۱۹	۹۸۰۸۶۹۱	۰.۸۶۱	۱.۲۳۹	-۰.۲۷۲	۱
اظهار نشده	۲۳۸۹	۳۵۹۷۲۷	۲۶۲۰	۴۸۷۵۰۷	۰.۸۶۱	۰.۴۹۴	-۰.۲۵۹	۰.۶۲
جمع کل	۹۸۳۹۰	۱۱۰۰۱۵۵۱	۱۷۶۶۹۲	۲۰۴۷۶۳۴۳	-	-	-	-

منبع: آمار سرشماری نفوس و مسکن استان سمنان و کشور (۷۴-۹۴) و محاسبات تحقیق

برای دولت‌ها در کنترل اشتغال و به طبع رشد و توسعه اقتصادی به همراه خواهد داشت.

راهکارهای پیشنهادی

- توجه جدی به بخش معدن با توجه به پتانسیل‌های معدنی استان و هدایت سرمایه‌گذاران به سرمایه‌گذاری در این بخش

- اتخاذ استراتژی‌ها و سیاست‌های دولت با توجه به اولویت سرمایه‌گذاری در فعالیتهای پایه ای استان نظیر بخش صنعت بعنوان بخش مکمل بخش معدن
- تکیه بر مزیت نسبی و قابلیت‌های صادراتی بخش صنعت استان در رشد اشتغال منطقه

منابع و مآخذ

امین بیدختی، علی اکبر، (۱۳۸۲)، "طرح مطالعات جامع توسعه اشتغال استان سمنان"، سازمان مدیریت و برنامه ریزی استان سمنان.

خداپرست مشهدی، مهدی، محمدعلی فلاحی، مصطفی سلیمی فر، امین حق‌نژاد، (۱۳۹۱)، "بررسی اعتبار قانون واگنر و دیدگاه کنزی برای اقتصاد ایران: یک تجزیه و تحلیل سری زمانی"، فصلنامه پژوهشهای اقتصادی، سال ۱۲، شماره ۱، تهران، صص ۸۷-۱۱۲.

زیاری، کرامت الله، (۱۳۸۰)، "بررسی، تحلیل و برنامه ریزی اشتغال در استان یزد"، تحقیقات جغرافیایی، تابستان.

زیاری، کرامت الله، (۱۳۷۸)، "اصول و روشهای برنامه ریزی منطقه ای"، چاپ اول انتشارات دانشگاه یزد.

زیاری، رضا، طرح بررسی سیاستها و زمینه‌های ایجاد اشتغال در استان سمنان، دانشگاه آزاد اسلامی واحد سمنان، ۱۳۸۳

سبحانی، حسن، درویشی، باقر، (۱۳۸۴)، "بررسی مزیت نسبی و تحلیل ساختاری اشتغال در استان ایلام"، تحقیقات اقتصادی، پائیز ۱۳۸۴.

صباغ کرمانی، مجید، جمشیدی، رمضان، (۱۳۸۰)، "تجزیه و تحلیل روند رشد اشتغال و تغییرات ساختاری آن در بخش صنعت در استانهای مختلف ایران"، پژوهشهای اقتصادی، بهار ۱۳۸۰

در استان سمنان با ضریب ۳،۷۴۶- نزولی است. بر اساس نتایج این مدل بخشهای معدن، صنعت، خدمات زیر بخش آب، برق و گاز و زیر بخش ساختمان در کشور دارای روند صعودی است. در استان سمنان بخشهای کشاورزی، صنعت و زیر بخش برق، آب و گاز نسبت به کشور از رونق و مزیت رقابتی برخوردار هستند.

۵- نتیجه گیری و پیشنهادات

در این مقاله دو هدف عمده زیر دنبال گردید:

الف) تعیین فعالیتهای پایه‌ای استان در ایجاد اشتغال
ب) تعیین موقعیت رقابتی هر بخش اقتصادی استان در مقایسه با کشور

نتایج حاصل از تحقیق بر آن دلالت دارد که رشد شاغلان در استان سمنان با رشد آنها در سطح کشور متناسب نبوده و به عبارت دیگر رشد شاغلان استان سمنان کمتر از سهم استان از رشد کشور می‌باشد. کاربرد رهیافت تغییر مکان سهم بر آن دلالت دارد که علت رشد نامتناسب شاغلان استان سمنان در عدم تناسب ترکیب فعالیتهای استان ریشه دارد که مزیت رقابتی منفی بخشهای عمده اقتصادی استان نیز بر این عدم تناسب افزوده است. نتایج حاصل از کاربرد مدل اقتصاد پایه با روش استخراج ضریب مکانی LQ برای سه دهه ۱۳۷۴-۱۳۸۴-۱۳۹۴ حاکی از آن است که بخش معدن در هر سه دوره جزء بخش پایه ای بوده، بخش خدمات در دو دوره ۸۴ و ۱۳۷۴ بخش پایه ای ولی در دهه ۹۴ به بخش خود کفا تبدیل شده است. بخش صنعت در دو دوره ۷۴ و ۸۴ غیر پایه و در دهه ۹۴ جزء بخش پایه ای بوده است. زیر بخش برق، آب و گاز در دهه ۷۴ بخش غیر پایه و در دو دوره ۸۴ و ۹۴ بخش پایه ای به حساب آمده است. بخش کشاورزی و زیر بخش ساختمان در هر سه دوره جزء بخش غیر پایه ای بوده اند.

در راستای تامین اهداف تحقیق فرضیه‌های تحقیق مطرح گردید که نتایج بر آن دلالت دارد که نتایج حاصل از کاربرد مدل تغییر مکان- سهم مبین آن است که عملکرد بخش معدن در استان بر خلاف کشور دارای روند نزولی می‌باشد در حالی که بخشهای کشاورزی، صنعت و زیر بخش برق، آب و گاز در استان از مزیت رقابتی در ایجاد اشتغال برخوردار می‌باشند. به عبارتی در دهه آینده بخش معدن مزیت نسبی خود را در جذب شاغلان از دست داده و از طرفی به دلیل ضعف سایر بخشها در جذب شاغلان آزاد شده از این بخش، اشتغال در بخش خدمات و بخش غیررسمی گسترش می‌یابد و این مسئله منجر به انحراف برنامه‌های توسعه استان خواهد گردید و مشکلات خاصی را

یادداشت‌ها

¹ Location Quoficient² Daghfous.A³ Aya & Parantilla⁴ Shi Chunyun & et al⁵ Paulo Guimaraes & et al⁶ D.C. North⁷ Dine⁸ Gross Regional Product⁹ Basic¹⁰ Non-Basic Multiplier¹¹ Klosterman¹² Multiplier¹³ Henry&Herzog

صباغ کرمانی، مجید، (۱۳۸۰)، "تجزیه و تحلیل نابرابری‌های منطقه ایی اشتغال در استانهای کشور"، مدرس علوم انسانی، تابستان ۱۳۸۰.

صباغ کرمانی، مجید، (۱۳۸۰)، "اقتصاد منطقه ایی (تئوری و مدلها)"، چاپ اول انتشارات سمت.

فیلد، برایان، م کگرگور، برایان، (۱۳۸۶)، "فنون پی شبینی در برنامه هریزی شهری و منطق های"، ترجم هی فاطمه تقی زاده، چاپ اول، سازمان برنامه و بودجه، تهران.

کمیحانی، اکبر، (۱۳۷۹)، "ارزیابی سیاستهای اشتغالزایی در ده سال خیر و برآورد تابع تقاضای نیروی کار در ایران کار و جامعه". سایت نور مگ، خرداد و تیر ۱۳۷۹ - شماره ۳۴، صفحه ۶ تا ۱۹.

مصری نژاد، شیرین، ترکی، لیلیا، (۱۳۸۳)، "تجزیه و تحلیل ساختار اشتغال در بخشهای عمده اقتصادی مناطق شهری ایران در طی دوره (۱۳۸۲-۱۳۷۲)، پژوهشنامه علوم انسانی واجتماعی، زمستان ۱۳۸۳.

مرکز آمار کشور، سرشماریهای نفوس و مسکن سالهای ۱۳۶۵، ۱۳۷۵ و ۱۳۸۵ در استان سمنان و کشور.

Daghfous,A.(2004). "Absorptive capacity and the implementation of knowledgeintensive best practices". S.A.M. Advanced Management Journal, 69(2), 21,27.

Chunyun , sh., Jie , Zh., Yang , Y., Zhang , Z., 2007. "Shift -share Analysis on International Tourism Competitiveness A Case of Jiangsu province Chinese", Geographical Science ,2(17):173-178.

Guimaraes, P., Figueiredo,O., Woodward ,D. 2009. "Dartboard tests for the location quotient". Regional Science and Urban Economics. 39(3):360-364.

Aya ay , M., Rosendo, B., Edmundo , P. 2007. "Shift - share Analysis on Regional Employment Growth in the Philippines ", 10th National Convention on Statistics (NCS), EDSA Shangri- la Hotel , October 1-2.

Klosterman, R. E. (2001), "Community and Analysis Planning Techniques, Rowmand and Littlefield Publishers", Maryland. Ch 12, Usa.

Mustafa Dine, Regional and Local Economic Analysis Tools,2002, The World Bank Washington, DC, pp3